

سندی نو یافته در باره یخ سازی و یخ فروشی در مازندران

شهرام قلی پورگودرزی / کارشناس ارشد تاریخ

چکیده

گرمای شرجی در هنگام تابستان در مازندران، از گذشته، اهالی را بر آن داشت که در زمستان نسبت به ذخیره یخ اقدام کنند. از این رو پیشه یخ فروشی در مازندران رایج بود. به صورتی که برفهارا در گودال هایی مخصوص انباشته می کردند و در تابستان آن را به صورت توده های یخ خارج نموده و به شهر برده می فروختند. این پیشه یکی از منابع اصلی در آمد اهالی روستای شیاده بند پی غربی (بابل) بود. سند مورد بحث به ممانعت حاکم بند پی از یخ فروشی اهالی شیاده پرداخته است.

واژگان کلیدی:

یخ فروشی، شیاده بند پی غربی، میرزا اسماعیل خان حلال خور

مقدمه

بود، مخصوصاً در مناطق کوهستانی که از برف و یخ سنگین تر برخوردار بوده است. اهالی مناطق کوهستانی در زمستان ها با حفر چاله در حیاط خانه به عمق دو متر و قطر سه متر و گاهی کوچکتر، به ذخیره ی برف در این چاله های پر ساختند. آنها دور تا دور چاله را با کاه یا سرخس می پوشاندند که خاصیت عایقی داشته و مانع تبادل حرارتی می شد و برف ها را در آن ریخته و بعد از چندین بار کوبیدن، روی آن را با سرخس می پوشاندند و خاک بر آن می ریختند. چاله ها در گرمای تابستان بنا به نیاز به یخ باز و دوباره پوشانده می شد.

پیشینه و قدمت:

یکی از آیین های کهن مازندران، مراسم «ورف چال» است که عبارت از جمع آوری و ریختن برف در یخچالی که گفته می شود و در نیمه اول قرن نهم هجری قمری ساخته شده و حدود شش قرن قدمت دارد. این مراسم همه ساله در فصل بهار و همزمان با ذوب شدن برف های دامنه رشته کوه های البرز در منطقه ای به نام ورف چال

موقعیت جغرافیایی برخی شهرها در مازندران به گونه ایست که بین کوه و دشت و دریا قرار گرفته و در فصول گرم سال به علت شرجی بودن منطقه و رطوبت فراوان، از دمای طاقت فرسایی برخوردار می باشند. از آن جمله شهرها، شهر بارفروش (بابل کنونی) می باشد که در فصل تابستان بسیار شرجی می شود. در قدیم به علت عدم وجود تاسیسات برقی در منطقه، گرمای طاقت فرسا، موجب شیوع بیماری های گوناگون چون اسهال، آبله، فساد مواد غذایی و ... می شده است. بنابراین اهالی از دیرباز در اندیشه ی رفع آن مشکلات بودند که از آن جمله می توان به ذخیره ی برف در زمستان اشاره کرد. در این مقاله به بازخوانی سندی منتشر نشده درباره این پیشه پرداخته می شود.

شیوه تهیه ی یخ:

در فصول سرد سال، جای جای مازندران پوشیده از برف و یخ فراوان

[یادداشت های حواشی]

بلی آنچه بر این ورقه درج و مندرج است چنین است پر واضح است که دادرسی عدلی پروری عدل کسری همت که رفع این ظلم و دفع این ظالم نماید که تابندگان خدا و رعیت ظل الله این نعمت عظمی را به راحت به دست آورند.

ذالک الكتاب لاریب فیه

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

شبهه در صدق مراتب معروضه ی مرقومه نیست خداوند رفع مانع نمایند.

منع نمودن میرزا اسمعیل خان مسلمانان را از آب یخ اقل قلیل از تعدیات او است. اگر شمه ای از ظلم بی حساب او بر شهنشاه عالم پناه روحانفاده معلوم و مبرهن شود ان شاء الله دستش را کوتاه می نماید. از تعدی بر فقراه و ضعفاء بندپی [و] حرکات دیگر او ... یخ می باشد کتب العبدالجاننی الراجی

ذالک الكتاب لاریب فیه»^۳

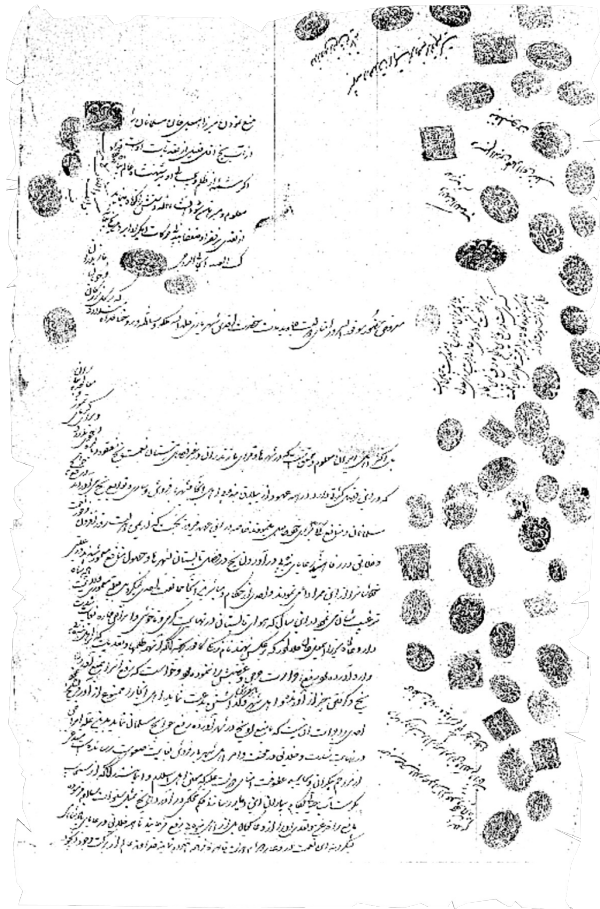
چند نکته

روستای شیاده محل زندگی گروهی از سادات آل سجاد علیه السلام است که نیاکانشان از قرن یازدهم هجری در این ناحیه ساکن شدند و مالک این آبادی و توابع آن بودند. (الهی - قلی پور، ۱۳۹۰: ۴۳۹) ایشان درباره ی مالکیت خود بر برخی از روستاهای بندپی غربی با حلال خوران که به طور سنتی حکومت منطقه را در دست داشتند، درگیر بودند.

در روزگار ناصری حکومت بندپی را میرزا اسماعیل خان حلال خور فرزند میرزا فریدون منشی الممالک بر عهده داشت. وی داماد فتحعلی شاه بود. (الهی، ۱۳۸۳: ۷۶-۷۹)

کتابنامه

- ۱- الهی، یوسف. ۱۳۸۲. «پیشینه خاندان حلال خور». فصلنامه علمی - پژوهشی ابختر. سال سوم. شماره ۹ و ۱۰. ص ۷۶-۷۸
 - ۲- الهی، یوسف و شهرام قلی پور گودرزی، بندپی، تهران: رسانش (آماده انتشار)
 - ۳- الهی، یوسف. ۱۳۸۹. روزنامه سفر مازندران (به روایت ناصرالدین شاه و اعتماد السلطنه). تهران: رسانش
 - ۴- یناکی، جعفر و پوراندخت حسین زاده. ۱۳۸۳. بابل شهر زیبای مازندران. تهران: سالمی
 - ۵- یوشیچ، نیما. ۱۳۷۹. دو سفرنامه از نیما یوشیچ. تصحیح و تحقیق علی میر انصاری. تهران: سازمان اسناد ملی ایران
 - ۶- هدایتی شهیدانی، ایرج. ۱۳۷۲. «آب در درفک و لعنت بریزید». مجله ی گیله وا. سال اول. شماره ۱۰. ص ۲۶
- گفتگو با حسین یحیی نژاد شیاده و سید محمد صادق ابراهیمیان شیاده، ۱۳۸۹/۱۴/۱۲. مجموعه اسناد شخصی سید محمد صادق ابراهیمیان شیاده.



در این هنگام سید ابراهیم شیادهی برای احقاق حقوق سادات روستای خود به طور جدی با خاندان حلال خور درافتاد و موفق شد دستورهای حکومتی بر علیه او بگیرد. سند یاد شده گویای مشکلاتی است که اسماعیل خان برای شیادهی ها به وجود آورده بود.

۳- با سپاس از آقای سید محمد صادق ابراهیمیان که سند را در اختیارم نهاد

سقانفار سازه‌ای است چوبی در دو طبقه که همانند آلاچیقی با پوشش شیب دار و عمدتاً با مصالح سفال و یالت پوش (تخته سنگ‌های کوچک و صاف)، معمولاً در جوار "تکایا" ساخته می‌شده است. با توجه به رجعت سوگواران به این بناها در ماه‌های حرام و بهره‌گیری از آن‌ها جهت گذراندن ایام اعتکاف، سقف و ستون‌های این بناها محل مناسبی بوده جهت نمایش اعتقادات، باورها و روایات مذهبی که در سه قالب "اسطوره، مذهب و زندگی روزمره" بر مهمانان خود تاثیر می‌گذاشته است.

چوب ساختار اصلی بناست و عناصر چوبی اصلی در این ابنیه عبارتند از:

- ۱- شیرسر: قطعاتی چوبی از جنس درخت آزاد که در انتقال بار سقف به سرستون‌ها به صورت پلکانی ایفای نقش می‌کردند.
- ۲- دهان اژدری: سرستون‌های چوبی به فرم دهان اژدها که ارتباط مابین تیرهای افقی و عمودی بنا را میسر می‌ساختند.
- ۳- هلا: بالاترین تیر چوبی که به صورت اریب، شیب اصلی بام را می‌سازد و تخته کوبی نهایی به روی آن صورت می‌گیرد.
- ۴- پلور: تیرهای پوشاننده بام در طبقات اول و دوم.
- ۵- تخته: ضمن پوشاندن فضای خالی مابین پلورها، کف اصلی طبقه بالا را می‌سازد.
- ۶- پتک یا درز پوش: برای پوشاندن درز بین دو تخته از قسمت پایین به کار می‌رود.

از موارد یاد شده عناصر شیرسر، دهان اژدری، پلور، تخته و بعضاً قسمت انتهای هلا، معمولاً در "نفارها" مورد تزیین قرار می‌گیرد. برخی از این اجزا و عناصر را معماران بومی چنین می‌نامند: نال یا اوشان، کماچه (سرستون)، شوله‌ور، پلور، گردر فاق (رواق) و... (رحیم زاده، ۱۳۸۲: ۷). با توجه به این که قدیمی‌ترین نمونه‌های سقانفار موجود در مازندران که تا کنون رویت شده متعلق به دوران صفوی می‌باشد (نمونه نادر آن در منطقه سوادکوه مازندران قابل مشاهده است)، یادآوری نکات زیر به پی بردن به چگونگی پیدایش این عناصر مذهبی کمک می‌نماید. در بسیاری از این نمونه‌ها ساخت سکوی پایینی با مصالح آجری صورت گرفته، با توجه به اینکه در اکثر روستاهای مازندران به لحاظ کمبود خاک رس مناسب، آجر کالایی نایاب بوده است. در نمونه‌های صفوی ابعاد آجرهای به کار رفته در زیر سازی سکوی ۲۷×۲۷×۵ سانتی متر می‌باشد که اندازه رایج در ابنیه حکومتی و رسمی کشور بوده، حال آن که با توجه به صعب‌العبور بودن بسیاری از روستاهای دارای "نفار"، علت توجه خاندان صفویه به ساخت نفارها جای بحث دارد. وجود انگیزه‌های مذهبی (تشیع) و جنبه‌های پهلوانی نقوش اسطوره‌های ایرانی دو عنصر مهم در هنر سقاناتار سازی است، که با توجه به جنگ‌های ایران و عثمانی (دو قطب شیعه و سنی) علت توجه بسیار شاهان صفوی به ساخت این گونه ابنیه مذهبی که به نوعی در بر انگیختن مردم به جنگ علیه کفار بوده را منطقی می‌نماید.

ناگفته نماند که ساخت سقانفار منحصر به ایران نبوده و در کشورهایی مابین چین تا هند، اشکال گوناگونی از این سازه‌های چوبی در جوار مساجد مشاهده می‌شود. اما آشکار است که در ایران تنها در منطقه حاشیه دریای مازندران و عمدتاً در مناطق مرکزی مازندران شاهد این گونه آثار هستیم. سقانفارها با توجه به قداست و حرمت خاصی که نزد مردم دارند در جوار مساجد و تکایا قد برافراشته و از کنده کاری روی چوب و یا نقاشی ملهم از اعتقادات مذهبی مردم این سامان سود جسته‌اند. تقریباً می‌توان گفت که همه سقانفارها نذر حضرت ابوالفضل العباس^(ع) است و هر ساله مراسم ویژه ماه محرم در آن انجام می‌گیرد. از این رو در تزیین سقانفارها از الوارهای چوبی مزین به طرح‌ها و نقش‌های گیاهی، اسلیمی، جانوری، انسانی، شاهنامه‌ایی (پرده خوانی)، اساطیری، اشعاری در مدح واقعه کربلا و کنده کاری روی چوب سود برده‌اند. (Fallah, 2010: 1)

قاجاریه عصری است که ساخت و ساز سقانفار در منطقه گسترش می‌یابد. سقانفارهای موجود از منظر گونه‌شناسی و سازندی قابل تفکیک به دو نوع منقوش (شامل نقاشی‌های انسانی، جانوری، شاهنامه‌ایی، اساطیری (بهار ۱۳۸۶ و ۱۳۷۴؛ رستگار فسایی ۱۳۷۹؛ یاحقی ۱۳۶۹؛ رحیم زاده ۱۳۸۰)، گیاهی، هندسی، اشعار و...) و ساده (بدون هرگونه نقاشی و فقط کنده‌کاری‌هایی بر روی چوب و الوار) است. سقانفارهای مورد پژوهش فریدونکنار در زمره سقانفارهای منقوش منطقه محسوب می‌شوند که از لحاظ زیبایی‌شناسی و دیدمان هنری در منطقه کم نظیر است.